

اقلیتی آمده‌اند و با شعار همه مناصب را گرفته‌اند. مگر کشور متعلق به آن‌هاست؟ فاجعه بزرگی در حال رخ دادن است و با دانشجو صرفاً به این دلیل که شعار تندى داده با شدیدترین شیوه برخورد می‌شود| با جنگ فاصله زیادی نداریم.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق جمهوری اسلامی ایران؛



حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق جمهوری اسلامی ایران در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان، ناامیدی را عامل بی‌اثر کردن احزاب با سابقه یا انفعال آن‌ها دانست.

به گزارش اسپادانا خبر، او گفت:

بزرگترین فاجعه‌ای که رخ می‌دهد تهدید سرمایه انسانی ماست. احزاب و گروه‌ها می‌توانند در مقابل این هجمه بزرگی که به سرمایه‌های انسانی صورت می‌گیرد ایستادگی کنند و مانع گسترش ناامیدی شوند. این سرمایه انسانی باید در مسیر توسعه قرار بگیرد. یکی از افتخارات ما بعد از انقلاب که آمار و ارقام هم تأیید می‌کند، توسعه سرمایه انسانی در حوزه آموزش، امید به آینده و بهداشت و درمان است. آمار رسمی اثبات می‌کند که در دولت یازدهم و دوازدهم این سرمایه در آموزش و پرورش و به‌ویژه آموزش عالی و دانشگاه‌ها توسعه پیدا کرد و فضا باز شد؛ دانشجوی ستاره‌دار نداشتیم، فاجعه بورسیه را افشا کردیم، ماجرای تکان‌دهنده‌ای که بعضی‌ها بدشان آمد البته الان به شکل وسیع‌تر و از طریق دیگری وارد می‌شوند و جمع زیادی را اتوبوسی وارد دانشگاه و عده‌ای را اتوبوسی خارج می‌کنند. علاوه بر مهاجرت گسترده نخبگان ببینید دانشگاه‌های ما چه شرایطی دارند؟ تعدادی از استادان برجسته علوم پزشکی به من گفتند تا چند سال آینده ما در تعدادی از رشته‌ها دیگر متخصص نخواهیم داشت. ناچار باید متخصصان را از خارج وارد کرد یا بیماران را به خارج فرستاد. فاجعه بزرگی در حال رخ دادن است. با این حال چه برخوردی با دانشگاه و اساتید و دانشجویان می‌شود؟ با دانشجو صرفاً به این دلیل که شعار تندى داده با شدیدترین شیوه برخورد می‌شود.

وی افزود:

اگر ما در مسئله اینترنت و پهنای باند تحول ایجاد نکرده بودیم در دوره کرونا نمی‌توانستیم کشور را اداره کنیم. بدون توسعه زیرساخت‌های اینترنتی و سهولت دسترسی‌ها، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان چطور فعال می‌شوند و چگونه می‌توان با دنیا تعامل گسترده داشت؟

او بیان کرد:

می‌گویند کشور را به جوانان حزب‌اللهی بدهیم، حالا با هر تفسیری که می‌توان از جوان و حزب‌اللهی داشت. آن‌ها مگر چند میلیون نفر هستند؟ خب بقیه چکار کنند؟ به آن چند میلیون نفر همه امکانات و مسئولیت‌ها را بدهیم، بقیه از کشور خارج شوند یا بیکار بمانند؟ افرادی هستند که ممکن است جوان حزب‌اللهی تعریف نشوند اما هم متدین هستند، هم به کشور خدمت و ایثار می‌کنند، حالا بگوییم این‌ها نباشند؟ با این شیوه رفتار، کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. انفعال و عقب‌نشینی و

خودکشی از ترس مرگ ما را به جایی نمی‌رساند. کشور متعلق به یک عده محدود نیست. اقلیتی آمده‌اند و با شعار همه مناصب را گرفته‌اند. مگر کشور متعلق به آن‌هاست؟ کشور متعلق به همه ماست نه هیچ گروه و جناح و حزب خاصی. ایران متعلق به تمام ایرانیان است؛ شیعه، سنی، ارمنی، یهودی، زرتشتی و دارای افکار دیگر. حتی ممکن است عده‌ای قانون اساسی را هم قبول نداشته باشند اما باید بتوانند در کشور زندگی کنند. باید وسیله زندگی برای همه مردم فراهم کنیم. این نمی‌شود که چون مخالف ما هستند پس زندگی نکنند. همه باید از حقوق شهروندی برخوردار باشند. ما الان به نقطه‌ای رسیده‌ایم که در یک مسئله روشنی مانند غزه هم مثل هم حرف نمی‌زنیم. در این حادثه سخت و سنگین برای اولین بار می‌بینیم در ایران میان مردم شکاف وجود دارد. این موضوع بی‌سابقه و این شکاف اجتماعی و فرهنگی و دیدگاه نسبت به منطقه و جهان بسیار خطرناک است. می‌بینیم که مردم در اروپا و آمریکا تظاهرات بسیار بزرگی برپا کردند که شاید کمتر سابقه داشته که جمعیت‌های این‌چنینی به خیابان بیایند و به نفع مظلومین شعار دهند، گرچه دولت‌هایشان حامی ظالم‌اند. در دنیای شرق که مردم حتی به خیابان هم نمی‌آیند و گویا اتفاقی نیافتاده است. جهان اسلام و دنیای عرب هم می‌بینیم چه وضعی دارند. اما در داخل چرا اینقدر از هم فاصله گرفتیم و چطور شده که در هیچ امری با هم نظر واحدی نداریم؟ این یک علامت هشدار برای ماست. بین جنگ و صلح فاصله خیلی زیادی نیست. الان ما در شرایط جنگ نیستیم اما با جنگ هم فاصله زیادی نداریم. ممکن است یک اشتباه، تصمیم نادرست یا یک عمل غیردقیق، شعله جنگ را به سمت ما بکشاند. وقتی آتش جنگ شعله‌ور شد خاموش کردنش بسیار سخت و گاهی ناممکن است.

برچسب‌ها: [حسن روحانی](#) [1]

[جنگ](#) [2]

[اصلاحات](#) [3]

[دانشگاه](#) [4]